

تماشاخانه

کیوان زرگری | کارتونست | keyvanzargari@yahoo.com



پیراگتفر: به ما شد عرصه تنگ جز شکیبایی چه باشد راهکار؟
توی دنیای پراز اندوه و جنگ خنده کرد و داد پاسخ: «شهرنگ»

شماره هشتاد و نود و یکم



در حاشیه برگزاری دربی در وسط هفته و ساعت نامناسب

تلویزیون: اگه می خواهید تماشاگرها رو حذف کنید با ما مشورت کنید

- یک معترض: ما به چیزی گفته بودیم بابا، چرا این قدر جدی گرفتید؟!
- یک ناله گریه: اینستاگرامی: چه فرقی می کنه؟! این روزها همه اش غروب جمعه است!
- یک دبستانی: تازه سی و یک شهر یورم هیچ فرقی با غروب جمعه نداره
- جواد خیابانی: پنجاه هزار نفر تو استاد بوم، خودش دو بیست- سیصد هزار نفره!
- سرهنگ علیفر: اصلا بعد رفتن سید جلال به لوانته دربی دیگر دیدن ندارد
- تاج: یکشنبه را به احترام هواداران خارج از کشور انتخاب کردیم!

#نیاید تو استاد بوم مون #شهرنگ

در حاشیه شروع فصل پاییز

برگ های شمارا برای عکس انداختن خریداریم!

- بغض ناله جدید رسید: چرا تو پاییز همه می رن؟
- پلیس راهور: عشق و عاشقی و واسه شماست، بحر ان ترافیکش واسه ما!
- یک دانش آموز: ناراضی نیستیم با مدرسه رفتن مون واسه بیزر کترها ترافیک در دست بشه!
- آلودگی هوا: دلم واستون خیلی تنگ شده بود!
- #باز آمد؟! #ناله و برگ پاییزی #شهرنگ

تقاطع غیر همسطح

مسائل مهمتر چه بودند و چه کردند!؟

کوشا باشید که چند لیتر بنزین بگیرتان بیاید.
تقی آنجلس: او معتقد است این باد توسط ژنراتورهایی در حوالی کرج تولید شده تا به وسیله آن مردم با هم متحد شوند. مسئله اصلی کشور این است که می خواهند به وسیله تولید باد و سرگرم کردن مردم به آن، جلوی ورود پیروزمندان او به کشور را بگیرند.

سنتون خوانندگان یک روزنامه: این خواننده محترم معتقد است که مسأله اصلی وجود این بادها نیست. مسأله اصلی این است که عدهای جیره خوار و مزدور در رسانه های کشور نفوذ کرده اند. این جیره خوارها این قدر نوشته اند که برای تامین کاغذشان تمام درختها را قطع کرده اند و بیا، طوفان شد. مسأله اصلی کشور، راست راست گشتن و نوشتن این افراد است. اگر با آنها برخورد شود، مسأله باد هم خودبه خود حل می شود.

یک سلبریتی: او معتقد است که این باد برای جلوگیری از افزایش فالوورهای او دارد می آید. مسأله اصلی الان این است که مردم آدرس پیج دوم او را حتما داشته باشند تا بعد از گذر از طوفان، آن چند نفری که زنده مانده اند، بتوانند دوباره او را فالو کنند و استوری های جدیدش را از دست ندهند.

راحتی با تشکیل جلسات در فضای بازی در غرب تهران، می تواند جلوی ورود باد را بگیرد و اینها بهانه است. مسأله اصلی مقابله با طوفان نیست و این بهانه ای است برای این که مسئولان بگویند بودجه تلویزیون را باد برده. تا کی با حق خوری قرار است جلوی ساخت برنامه های جذاب تلویزیون گرفته شود!؟

یک شهروند داخل یک صف: ایشان به سبب فشارهای اقتصادی زیادی که رویش است، معتقد است که این باد هیچ تاثیری روی اراده او نخواهد گذاشت و اگر این باد، پدر طوفان کاترینا هم باشد، او صف را ترک نخواهد کرد.

مسأله اصلی هم اکنون برای او این است که بتواند راسته گوسفندی را ۵ هزار تومان زیر قیمت بازار تهیه کند تا لااقل برای آخرین بار بتواند یک باقالی پلو با گوشت بخورد و بعد به وسیله طوفان از بین برود.

شرکت پخش فرآورده های نفتی: مدیر روابط عمومی این شرکت مانند هر روز یک مصاحبه می کند و می گوید فکر نکنید که یک باد عزم من را از بین می برد. مسأله اصلی هم اکنون این است که من هر روز مصاحبه کنم تا شما آگاه شوید که به زودی بنزین را سهمیه بندی می کنیم. حتی اگر باد همه چیزتان را برد، در حفظ و نگهداری از کارت سوختتان



شهاب نبوی | طنز نویس

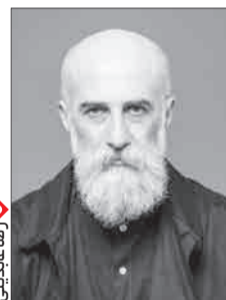
فرض کنیم امروز اعلام شود که حدود یک ماه دیگر قرار است یک بادی بیاید و کل شهر را زیرورو کند. در این جا ما با تحلیل های متفاوتی در مورد این باد یهوپی مواجه خواهیم شد.

یک نفر در توییتس: او در حالی که پشت اتومبیل ۲۰۱۸ خودش و زیر باد ملایم کولرش نشسته و سیگار مارلبوراش را می کشد، توییت می کند که این باد از طرف خرده بورژواها رها شده تا سطح مطالبات جامعه را تقلیل دهند و مسأله اصلی جامعه الان این است که چرا همه مخالفین و موافقین بر سر یک باد به توافق رسیده اند و حالا که همه می گویند باید جلوی باد ایستاد، یعنی کاسه های زیر نیم کاسه است؛ الان مسأله اصلی پشه هایی هستند که از طریق بار یکی از مسافری پرواز پاریس-تهران وارد کشور شده اند. تازه اگر بعدش همه بیایند و بگویند که باشه، قبول.

مسأله اصلی الان اون پشه ها هستند، می گوید که هاهاها، گولتان زدم. مسأله اصلی الان یک چیز دیگه است که نمی گم تا خودتان پیدایش کنید.
یک نفر در تلویزیون: او معتقد است که مسئولان به

شهر نگار

رضا عابدینی و نگاه پر آشوب به هنر



رضا عابدینی

یحیی تدین | رضا عابدینی متولد ۱۳۴۵ تهران، گرافیست و طراح خلاق معاصر؛ تحصیلات خود را در رشته طراحی گرافیک از مدرسه هنرهای تجسمی و نیز در رشته نقاشی از دانشگاه تهران اخذ کرده است. او نگاهی مدرن به دنیای تصویرسازی دارد، با این حال عناصر اصیل ایرانی و سمبل های شرقی را با مهارت در کارهایش عرضه می کند. در این سبک، بیننده علیرغم مواجهه با جلوه های متنوع هنر مدرن با فرهنگ و تاریخ سرزمینش که تبلور آن در ابداع شیوه جدیدی از هنر خوشنویسی است، آشنا می شود. با این حال عابدینی نگاهی

پر آشوب به هنر داشته و از این رهگذر نمی توان او را قالبی ایستاتور کرد. آثار عابدینی با حفظ اصالت هنر ایرانی در میان آثار طراحان بزرگ جهان از اهمیت بالایی برخوردار است تا جایی که نام او در کنار بزرگان این رشته در فهرست مگز «تاریخ طراحان گرافیک جهان Meggs» به ثبت رسیده است. عابدینی با استفاده از تغییر در نوع نگارش حروف ایرانی و تلفیق آن با هنر



طلسم هادنیال کرد.



تدین

مدرن، تا مرحله بومی سازی این هنر گام نهاده است. منابع الهام او را باید در آثار باقی مانده از قدما از جمله خطوط منقش در چاپ های سنگی، اشکال متنوع دعانویسی و حتی شیوه نگارش طلسم هادنیال کرد.

مردم در صف و صفا و صمیمیت در کنار هم زندگی می کنند. در واقع مسؤلان با شناختی که از مردم دارند، خودشان تشخیص می دهند که چه چیزی برای مردم مناسب است و به نفعشان است و چه مواردی برایشان ضرر دارد. در واقع سعی می کنند به مردم حق انتخاب خاصی ندهند، چرا که مردم از آگاهی لازم جهت تشخیص سره از ناسره برخوردار نیستند. به همین خاطر است که به خاطر خود مانده آنها اینترنت نسل جدید را راه اندازی نمی کنند بلکه سعی می کنند ما را از خطر شبکه های اجتماعی دور نگه دارند. اما متأسفانه عده ای قدر این کارها را نمی دانند و بعضاً آنها را مورد انتقاد قرار می دهند. در جواب این منتقدان باید گفت اگر چه سوییچ جزو بهترین کشورهای جهان از نظر کیفیت زندگی است و اساساً واژه تورم برای آنها یک اصطلاح پزشکی است، به معنای ورم تا شاخص اقتصادی و آمار تصادف جاده ای برای آنها یک داستان خیالی است تا واقعیت امار نه نهایت چه فایده؟! مردم سوییچ هیچ هیجانی را در زندگی تجربه نمی کنند. آخر زندگی که در آن صبح که از خواب بیدار می شوی، چهار تا دعوا در خیابان نبینی و ده تا تصادف تماشا نکنی و پول توی جیب آدم نسبت به شب گذشته نصف نشده باشد، چه لذت و هیجانی دارد. زندگی که به جای مرگ با تصادف و سگتکته ناشی از ورشکستگی و افسردگی با امواج 5G تمام شود، به درد همان سوییچی های ناز پرورده می خورد. وجود همین هیجان و دوری از روزمرگی است که مردم ما این قدر عاشق مسؤلان هستند.